

مسجد اسلام

هم اکنون بکومک بازوان خیال دیوار های بلند و سد های استوار سنین و قرونی را که دست معمار زمان از چهارده قرن پیش در پشت سرما بر افراشته در هم میشکنیم و بقهقرا بر کشته در آغاز قرن اول اسلام و مطلع هجرت نبوی «ص» قرار میگیریم و از فراز تلی مشرف بر مدینه «بشرب» باغها و نخلستانهای شهر را تماشا میکنیم!

نخستین ساعت صبح است آفتاب از پشت سرما اشعه جان بخش خود را بصحنه شهر میفرستد و نسیم صبحگاهی درختان زیبا و خر مرا باهتزاز در آورده است. در میان نخلستانهای روبرو یکدسته اشجار وجود دارند که از سایر درختها شاداب تر و سرسبز ترند.

شاخهای درختان این باغ اهتزاز و نشاط دیگری دارند و همراه وزش نسیم سر بگوش هم گذاشته اسرار ابدیت را برای هم تفسیر میکنند و با آهسته و محرمانه گوشه هائی از آینده عجیب و حیرت انگیز این شهر را بگوش هم باز میگویند!

اینجا نخلستان «برهه» یا باغ ابو طلحه انصاری است که از بهترین ملکهای او بشمار میرود ۱۵

نور آفتاب از خلال درختان گوشه هائی از زمین باغ را روشن میسازد و منظره نزول وحی را بر دل یاک پیغمبران پدیدار میکند.

۱ - این همان نخلستان است که رسول خدا (ص) پیش از ورود بسجد غالباً با آنجا میرفت و از آب کوارایش مینوشید و در سایه درختانش میاز میدوید و بعد آهنگام نزول آیه شریفه «لن تنالوا البر» ابو طلحه آنرا تقدیم پیغمبر کرد و آن حضرت دستور داد تا آنجا را میان خویشان فقیر خود قسمت کند.

ما نیز همراه اشعه آفتاب نور باصره را نفوذ داده در پشت
نخلستان منظره دلکش و جالبی مینگریم .

آنجا در برابر ما جمعی از مردان با اراده نمودارند که دامنها
بر کمر زده و آستینها را از مرفق گذرانده اند و بفرام کردن گل و سنک
و خشت مشغولند .

چند ساعت از روز گذشته تابش آفتاب شدت می یابد و محیط
نخلستان و فضای ماوراء آن را بخوبی روشن و دیدار میسازد .

مردان با اراده بر فعالیت و نشاط خود میافزایند در میان اینجمع
مرد عظیمی وجود دارد که اراده و قدرتش از قوای قاهره وجود حکایت
میکند او نیز گاهی در میان آن جمعیت بکار میپردازد و زمانی مانند
پادشاه زنبوران عسل با آهنک رجز دیگران را بکار و کوشش تهییج
و تشویق میکند .

این نمونه کامل عظمت و قدرت که مانند خورشید در میان
سیارات جای گرفته پیشوای عظیم اسلام است و این مردان نیرومند
مهاجرین و انصارند که در پرتو این جذب آسمانی و حماسه و شوری سرشار
بکار مشغولند و این بنای ساده که بدست ایشان ساخته میشود مسجد
رسول یا بزرگترین مهبط وحی و مدرسه الهی است و این همان مدرسه
عظیم است که پس از ده سال بزرگترین رجال علم و فضیلت و قدرت را
بدنیا تقدیم خواهد کرد .

همین ساختمان مربع گلی و ساده است که پس از چند سال مرکز
حل و عقد سیاست جهان خواهد شد و فرمانی که در اینجا صادر شود
در زوایای قصر های بنا شکوه پادشاهان جهان منعکس گشته طنینی

رعب انگیز بوجود خواهد آورد.

این همان مدرسه الهی است که دماغ مردم جهان را از زنگار شرک و غبار خرافات پیراسته خواهد ساخت و نور وحی را ضمیمه نور فطرت ساخته جهان را از شب دیجور شرک و جهل و رذیلت بیامداد تا بنادک توحید و علم و فضیلت هدایت خواهد کرد.

شاگردان این مدرسه باسرار وجود و سنن آفرینش و نوامیس طبیعت آشنا خواهند بود و با وجود یکچنین عقل قوی دلی لبریز از احساسات الهی و عواطف آسمانی خواهند داشت و اراده نیرومند ایشان مانند دامنه «مد» امواج دریا همه جا را فرا خواهد گرفت و هیچ چیز در برابر آن اراده یارای مقاومت نخواهد داشت!

اینجا فلکی تازه است که آفتاب درخشانی مانند قرآن از این فلک با پرتو انوارش جهان روح و دارا نور و حیات و بهجت و صفا خواهد بخشید!

پیشوای اسلام خود نیز در ساختن مسجد با مهاجرین و انصار شرکت داشت تا بجهانیان آشکار سازد که اسلام دین و عمل و کوشش است و هیچ فردی بهر درجه از عظمت هم که باشد نباید از کار و کوشش تنگ داشته باشد.

بعضی چنین گمان میکنند که بکار بردن نخستین سنگ اساس یا بر زمین زدن اولین کلنگ یا تبر (که اکنون از طرف بزرگان و پیشوایان جهان معمول شده) کاری تازه و ارمغان اروپا است ولی کسانی که از تاریخ پرافتخار اسلام و سیره پیغمبر عظیم آن مطالعه میدانند که این سنت سنیه از ناحیه پیغمبر علم و عمل و آبادی و عمران در

جهان پا برجا و استوار گشته . همان پیغمبری که اساس سعادت را بر پایه عمل بنا نهاد و در کتاب آسمانی خویش چندین آیه در تهییج بر عمل صالح و اخلاص عمل آورد .

باری این ابتدای پیدایش مسجد است که در برابر خویش می نگریم و اکنون برای تماشای تحولات و تطوراتی که در ظرف این چهارده قرن بر مسجد اسلام رخ داده با سیر تاریخی هماهنگی میکنیم !

در قرون اولیه اسلام نقاشی و تزیین در مساجد سابقه نداشت و با وجود آنکه مسلمانان نقش و نگار معابد و کتائب یهود و نصاری را تماشا میکردند مساجد خود را با کمال سادگی نگاه میداشتند و تنها آرایش معنوی قناعت کرده با ذکر خدا آنها را مزین و زیبا میساختند زیرا در آن عصر عنایت و دقت کامل داشتند که کوچکترین اثری هم از آثار بت پرستی باقی نگذارند .

گذشته ازین اسلام اساساً در عصری آمد که تکلفها و ترف و تجمل بحد افراط رسیده و زندگی کثافتی را (مانند امروز) مشکل ساخته بود . از اینجهت اسلام سادگی و اعتدال را پیشه و شعار خود ساخت و مانند یکنهضت عمومی علیه نجهلهای کمرشکن زندگی آن عصر قیام کرد . سالها بلکه قرنهای گذشت و دامنه فتوحات اسلامی تا شام و عراق و فارس و حتی سراسر آسیا و افریقای شمالی گسترده شد و از آنجا باسپانیا و جنوب فرانسه انتشار یافت و در همه اینمراحل مسجد اسلام نیز دوش بدوش فتوحات اسلامی در پیشرفت بود .

بدیهی است در اثر این تحولات و اختلاط و امتزاجها مسجد نیز پذیرای اثر شد و از اینجهت در اکناف و اطراف کشورهای اسلامی

مساجدی گوناگون با معماریهای دلکش پدید آمد بلکه میتوان گفت مسجد خود بهترین آئینه تحول فن معماری و از بزرگترین عواملی است که در ادوار مختلف تاریخ اسلام قریحه و هوش سرشار مسلمانان را بکار آورده و در پیشرفت فن معماری خدمتی بزرگ و شایان تمجید انجام داده است. چنانکه کفایت مسجد مدینه در زمان پیغمبر «ص» با سنگ و خشت گل بنا شده و با شاخها و برگهای خرما پوشش یافته بود پایه هایش همه از چوبهای خرما بود ولی از زمان خلافت عمر مسجد مدینه نیز با ناموس کلی تطور و تحول هماهنگی کرد خلیفه دوم کمی بر مساحت مسجد افزود ولی شکل مسجد بهمان ترتیب پیشین باقی بود تا روزگار خلافت عثمان که در بنای مسجد تغییرات نمایانی پدید آمد. عثمان مقدار زیادی اراضی اطراف را ضمیمه مسجد کرد و فرمان داد تا دیوارهای آن را با سنگهای نقاشی شده و گچ بنا کردند و ستونها را از سنگهای با نقش و نگار ساختند و سقف را از چوبهای ساج ترتیب دادند. مسجد مدینه در آغاز با سنگ مرمرینها فرش رفته بود تا هنگام فرو ریختن باران از آلودگی بگل جلوگیری کنند ولی پس از مدت کمی آنجا را با حصیر فرش کردند. تا امروز که نفیس ترین فرشها در آنجا گسترده میشود. روشنائی مسجد در آغاز بوسیله آفر وختن شاخهای خرما تأمین میشد ولی بعداً بوسیله چراغهای روغنی مسجد را روشن میساختند مخصوصاً در جشنها و احتفالات مهم مذهبی و اعیاد دینی بر شماره چراغها میافزودند سپس شمع دانهای بزرگ فراهم ساختند و با شمعهای فراوان فضای مسجد را روشن و معطر میکردند. تا امروز که چراغهای برقی در محیط و همزوایای مسجد دامن گستر و پرتو افشانست.